

بازرگانی داخلی

«صادرات و

سیاستهای ارزی اخیر»

* مقدمه

رقمی در حدود ۱۷/۸ میلیارد دلار برای صادرات غیرنفتی کشور، از پذیرش نسبی این الگو حکایت دارد.^۳

گرچه در این مقاله زیر سؤال بردن چنین الگویی مدنظر نیست^۴، لکن تلاش آن است تا نشان داده شود که صدور حساب نشده و بی برنامه کالاها نه تنها منافع مذکور در مباحث فوق را دارا نخواهد بود، بلکه

در سالهای اخیر بحث‌های فراوانی در زمینه عدم توفیق نسبی سیاستهای «جایگزینی واردات»^۱ در کشورهای در حال توسعه (منجمله در کشور ما) مطرح گردیده و جهت گیری سیاستها و برنامه‌ها به سوی «توسعه صادرات»^۲ متمایل گشته است. در برنامه اول پنجساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نیز در نظر گرفتن

(1): Import Substitution

(2): Export Promotion

۳- سازمان برنامه و بودجه، پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲) (تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹)، ۸-۲۶.



می‌تواند به کاهش «خالص» درآمدهای ارزی کشور نیز منتهی گردد. به عبارت دیگر، صدور بی ضابطه کالا - در شرایطی خاص - به تشدید فقر و تورم و کند کردن روند توسعه کشور منجر خواهد گردید. بهمین ترتیب، نشان داده خواهد شد که افزایش اخیر نرخ خرید ارز به منظور توسعه صادرات کشور لزوماً موجب افزایش قیمت‌ها گشته و در بهترین حالت خود به زیان مصرف‌کنندگان و به سود تولیدکنندگان و صادرکنندگان کالاهای صادراتی است. در پایان نیز

آن است که در سال ۱۳۶۸ حدود ۵/۴۴ میلیارد میلیون تن کالا به ارزش ۷۸/۵۰۴ میلیارد ریال از کشور صادر گردیده که ارزش متوسط هر کیلوگرم آن معادل ۵۴/۳ ریال (۷۸ سنت) قابل محاسبه است. لکن، نگاهی دقیقتر به اجزاء تشکیل دهنده این رقم نشان می‌دهد که حدود ۷۳/۸ درصد از حجم وزنی صادرات غیرنفتی کشور از کالاهائی تشکیل گردیده که نوعاً دارای قیمت‌های بسیار نازل بوده و علی‌رغم سهم وزنی عمده خود، تنها حدود ۹ درصد از ارزش صادرات

صدور بی ضابطه کالاها می‌تواند به کاهش خالص درآمدهای ارزی و تشدید تورم منجر گردد.

سیاست ارزی اخیر (شناور کردن نرخ ارز صادراتی و کاهش قیمت ارز رقابتی) به اجمال مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

غیرنفتی کشور را تشکیل می‌دهند. (رجوع کنید به جدول ۱). کل درآمد حاصل از صدور این دسته از کالاها رقمی معادل ۷/۲۳۴ میلیارد ریال (حدود ۱۰۳ میلیون دلار) بوده و متوسط قیمت هر کیلوگرم از آنها نزدیک به ۶/۷ ریال (۹/۵ سنت) می‌باشد بنابراین، حتی اگر فرض شود که تمامی درآمدهای ارزی حاصل از صدور این کالاها

* ترکیب فعلی صادرات غیرنفتی
آمار مقدماتی گمرک ایران حاکی از

۴- برای مقایسه برخی از نظرات ابراز شده در این زمینه رجوع کنید به:

L. K. Jha, «Do Outward - Oriented Policies Really Favor Growth», *Finance and Development*, December 1987, pp. 44-46.

موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، نظری اجمالی به رابطه سیاست بازرگانی و توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، اسفندماه ۱۳۶۸).

۱- گمرک جمهوری اسلامی ایران، جداول آمار مقدماتی صادرات - واردات (تهران: گمرک جمهوری اسلامی ایران، اسفند ۱۳۶۸) ص ۹.

جدول (۱): میزان، ارزش و قیمت واحد منتخبی از صادرات غیرنفتی کشور در سال ۱۳۶۸

شرح	وزن (هزار تن)	سهم در صادرات غیرنفتی (درصد)	ارزش (میلیون ریال)	سهم در صادرات غیرنفتی (درصد)	قیمت واحد* (ریال برای هر کیلوگرم)
میوه‌های تازه	۱۲۷/۹	۸/۸۵	۱۵۵۳/۳	۱/۹۷	۱۲/۱۴
تره‌ساروسزیجات	۲۰	۱/۲۸	۲۲۸	۰/۲۹	۱۱/۴
سایر کالاهای کشاورزی	۴۷	۳/۲۵	۳۲۶	۰/۲۴	۶/۹۳
چدن	۱۵۸/۸	۱۰/۹۸	۱۳۵۵/۴	۱/۸۵	۸/۵۳
سنگ و مصالح ساختمانی	۲۶۹/۷	۱۸/۶۶	۶۹۵/۷	۰/۸۸	۲/۵۸
سنگ سرب	۱۶/۹	۱/۱۷	۲۴۹/۸	۰/۲۱	۱۴/۷۸
کرومیت	۲۲/۵	۱/۵۵	۲۲۷/۳	۰/۲۸	۱۰/۱
سایر کلوخه‌های معدنی	۱۵/۲	۱/۰۵	۹۱	۰/۱۱	۵/۹۸
کاشی، سرامیک و اجزای آلات	۵/۹۵	۰/۴۱	۷۷/۶	۰/۰۹	۱۳
لیستر و آخال پنبه	۶/۸	۰/۴۷	۴۴/۳	۰/۰۵	۶/۵
موزاشک و خرده‌موزاشک	۲۱	۱/۴۵	۳۰	۰/۰۳	۱/۴۲
مواد معدنی و نمک دریایی	۳۲/۸	۲/۲۷	۲۰/۶	۰/۰۲	۰/۶۲
سایر مواد شیمیایی	۳/۲	۰/۲۲	۱۰	۰/۰۱	۳/۰۲
مموگرد	۳۲۱	۲۲/۱	۲۲۲۵	۲/۸۳	۷
جمع اقلام فوق *	۱۰۶۸/۷۵	۷۳/۸	۷۲۳۲	۹/۰۳	۶/۷
کل صادرات غیرنفتی	۱۴۴۵	۱۰۰	۷۸۵۰۴	۱۰۰	۵۴/۳

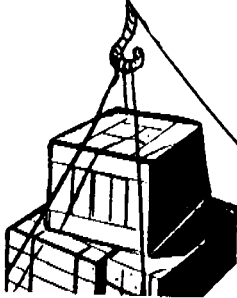
* - محاسبه از نویسنده است.

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران، جداول آمار مقدماتی صادرات - واردات، (تهران: گمرک جمهوری اسلامی ایران، اسفند ۱۳۶۸) صص ۷-۹.

THE UNITED STATES OF AMERICA



روزشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



به کشور بازگردانده شود، درآمد «ناخالص» ارزی حاصل از صدور این اقلام معادل ۱۰۳ میلیون دلار بوده است.

در ششماهه اول سال ۱۳۶۹ متوسط ارزش واحد اقلام مذکور حدوداً به نصف تقلیل یافته که این امر عمدتاً ناشی از افزایش شدید صادرات سنگ و مصالح ساختمانی — از حدود ۲۷۰ هزار تن در سال ۶۸ به حدود ۶۲۰ هزار تن در شش ماهه اول سال ۶۹ — و کاهش شدید ارزش واحد آن — از ۵۸/۲

مشکل حمل و نقل روبروست و از این راه خسارات زیادی متوجه اقتصاد کشور می‌باشد.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که درآمد حاصل از ۶۹۰ هزار تن صادرات (۶/۶۵۲ میلیون ریال، معادل ۳/۹ میلیون دلار) با توجه به هزینه‌های ارزی و ریالی آن چه میزان درآمد ارزی «خالص» برای کشور ایجاد می‌کند؟ بدیهی است که تولید، بسته‌بندی و

در شش ماهه اول سال ۶۹، بیش از نیمی از صادرات غیرنفتی با قیمتی کمتر از یک ریال برای هر کیلو صادر شده‌اند.

ریال برای هر کیلوگرم در سال ۱۳۶۸ به کمتر از یک ریال برای هر کیلوگرم در شش ماهه اول سال ۶۹ — می‌باشد (جدول ۲)۱. نگاهی دقیقتر به جدول (۲) نشان می‌دهد که حدود ۶۹۰ هزار تن از صادرات غیرنفتی کشور — که از نظر وزنی نزدیک به ۵۲ درصد از کل صادرات غیرنفتی کشور را در ششماهه اول سال ۶۹ تشکیل می‌دهد — با قیمتی کمتر از کیلوئی یک ریال صادر شده و سهم آنها در ارزش صادرات غیرنفتی کشور تنها به ۱/۸ درصد بالغ گردیده است. این در حالی است که بگفته مسئولان و دست‌اندرکاران، در حال حاضر کشور با

حمل این کالاها تا مبادی صدور کالا از کشور و نیز تخلیه، نگهداری و بارگیری آنها در بنادر نیز دارای هزینه‌های ارزی (و ریالی) قابل توجهی است که به منظور بدست آوردن درآمد ارزی خالص، باید لااقل هزینه‌های ارزی را از مبلغ فوق کم نمود. البته برای نشان دادن توجیه اقتصادی صدور این کالاها، ضروری است که علاوه بر هزینه‌های ارزی، هزینه‌های ریالی را نیز در محاسبات منظور نمود.

* هزینه‌های ارزی

تولید بسیاری از اقلام مذکور در

(۱) در این مقاله، همه جا ارزش و ارزش واحد صادرات براساس نرخ دولتی ارزی می‌باشد.

جدول (۲): میزان، ارزش و سهم منتخبی از صادرات غیرنفتی در ۶ ماهه اول سال ۱۳۶۹

شرح	وزن (هزار تن)	سهم در صادرات غیرنفتی	ارزش (میلیون ریال)	سهم در صادرات غیرنفتی	قیمت واحد* ریال / کیلوگرم
میوه های تازه	۹۰/۲۹	۶/۷۸	۶۵۲/۱	۱/۸۱	۷/۲۲
تره بار و سبزیجات	۳۵/۹	۲/۷	۱۹۳/۵	۰/۵۳	۵/۳۹
سایر کالاهای کشاورزی	۴۱/۲	۳/۰۹	۳۴۳	۰/۹۵	۸/۳
گوگرد	۱۳۲/۹	۹/۹۸	۷۸۰/۷	۲/۱۷	۵/۸۷
سنگ و مصالح ساختمانی	۶۱۹/۷	۴۶/۵۶	۶۰۱/۴	۱/۶۷	۰/۹۷
سایر کالاهای معدنی فلزی	۳۰/۸	۲/۳۱	۵۲۴	۱/۴۵	۱۷
چدن	۳۹/۷۸	۲/۹۸	۳۴۵	۰/۹۶	۸/۶۷
کرومیت	۲۰/۸	۱/۵۶	۲۱۴/۸۸	۰/۵۹	۱۰/۳
سنگ سرب	۹/۳	۰/۶۹	۸۷/۷	۰/۲۴	۹/۴
لینتز و آخال بنیه	۴/۴۶	۰/۳۳	۲۹/۶	۰/۰۸	۶/۶
موزاشیک و خرده موزاشیک	۳۲/۵	۲/۴۱	۲۷/۹	۰/۰۷	۰/۸۶
مواد معدنی و سنگ درشائی	۳۸/۲	۲/۸۶	۲۳/۳	۰/۰۶	۰/۶
سایر مواد شیمیائی	۰/۳۶۳	۰/۱	۲/۰۶۷	"	۵/۶۹
خاک سرخ	۰/۰۱۳	"	۰/۰۶۵	"	۵
جمع اقلام فوق	۱۰۹۶	۸۲/۴	۳۸۲۵	۱۰/۵۸	۳/۴۹
کل صادرات غیرنفتی	۱۳۳۱	۱۰۰	۳۵۹۴۱	۱۰۰	۲۷

* - محاسبه از نویسنده است.

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران، جداول مقدماتی صادرات - واردات (تهران: گمرک جمهوری اسلامی ایران، شش ماهه اول ۱۳۶۹) صص ۷-۹.

در همین رابطه بخشی از کالاهای وارداتی نیز ممکن است فاسد شده یا دیرتر به مقصد برسند که باز هم تبعات ارزی (و ریالی) خود را دارا خواهند بود.

در این مقاله، به کمک آمار و ارقام نشان خواهیم داد که بالحفاظ کردن عوامل فوق، صدور این دسته از کالاها نه تنها درآمد «خالص» ارزی چندانی ایجاد نمی‌کند بلکه — لاقلاً در مورد برخی از آنها — هزینه‌های

جدول (۲) نیازمند نهاده‌هایی از قبیل: کود، بذر، سم و یا استفاده از ماشین‌آلاتی نظیر: ماشین‌آلات کشاورزی، خاکبرداری و... می‌باشد، در همین مرحله و نیز در مرحله حمل به مبادی صدور کالا از کشور عواملی مانند سوخت، لاستیک، قطعات یدکی و سایر حمل و نقل و استهلاک آنها نیز مطرح می‌گردند که یا کلاً وارداتی هستند و یا عمدتاً با استفاده از مواد و قطعات وارداتی ساخته

قیمت هر کیلوآب معدنی صادراتی ۵ ریال بوده در حالیکه آب معدنی وارداتی به مبلغ کیلوئی ۱۷۳ ریال خریداری شده است.

ارزی مربوطه بیش از درآمدهای ارزی حاصله است؛ بعبارت دیگر، صدور برخی از کالاها، جز اتلاف منابع طبیعی و ارزی کشور نتیجه‌ای بدنبال نخواهد داشت. در واقع، ارائه برخی از نهاده‌های لازم با ارز دولتی یا صادراتی یا رقابتی به صادرکنندگان و صدور کالاهای حاصله با ارز آزاد یا ارز صادراتی (که فعلاً بسیار نزدیک به ارز آزاد است) صادرکنندگان را قادر می‌سازد، عل‌رغم ارزش افزوده منفی ارزی، به صدور

می‌شوند. در مرحله بسته‌بندی نیز اقلامی نظیر: کارتن، چثائی، چوب و گونی‌های پلاستیکی مورد استفاده قرار می‌گیرند که خود عمدتاً وارداتی هستند. اقلام صادراتی در مراحل صدور از کشور نیز به واسطه اشغال کردن انبارها، سردخانه‌ها و اسکله‌ها باعث تراکم در مبادی خروجی کشور می‌گردند که نتیجه آن (یا هزینه فرصت ارزی آن) می‌تواند در انتظار ماندن سایر کشتی‌ها و پرداخت «دموراج»^۱ به آنها باشد.

۱- Demmorage به معنای مبلغ مورد توافقی است که اجاره‌کننده کشتی به علت توقف بیش از حد کشتی برای بارگیری یا تخلیه، به مالک آن می‌پردازد. رک: حمیدرضا شرف‌زاده و مسعود طارم‌سری، آشنائی با تعاریف و اصطلاحات بازرگانی - اقتصادی (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، آبان‌ماه ۱۳۶۹)، (جلد چهارم)، ص ۶۳.

کالا اقدام کنند، که این عمل در واقع به مثابه دادن سوبسید به خریداران خارجی و شمن بخش فروختن منابع طبیعی کشور است که در نهایت به فقر و تورم بیشتر در کشور دامن خواهد زد.

برای آنکه نشان دهیم صدور برخی از محصولات مذکور در جدول (۲) برای کشور هیچ گونه درآمد خالص ارزی ایجاد نمی‌کند ابتدا به هزینه‌های ارزی حمل و بارگیری آنها اشاره می‌شود: طبق آمار موجود، در سال ۱۳۶۷ کشور ما حدود ۷۱۸ هزار تن گازوئیل به ارزش ۸۳۴۶ میلیون ریال وارد نموده است.^۱ به عبارت دیگر، هر کیلوگرم گازوئیل رقمی حدود ۱۲ ریال (حدود ۱۷ سنت) برای کشور هزینه ارزی داشته است.^۲ از سوی دیگر، نگاهی به جدول (۳) نشان می‌دهد که -با عنایت به وزن و ارزش واحد کالاهای صادره از گمرکات کشور- کالاهای سنگین وزن و ارزان قیمت عمده‌تاً از طریق بندر عباس، بندر امام خمینی و تا حدودی بندر بوشهر حمل گردیده‌اند. این در حالی است که محصولات مانندی چون

(محصول فرعی ذوب آهن اصفهان)، میوه‌های تازه، تره‌بار و سبزیجات، سنگهای معدنی و... عمدتاً در فواصلی دور از این بنادر تولید می‌گردند و می‌توان فرض کرد که تا رسیدن به این بنادر بطور متوسط باید ۵۰۰ کیلومتر (کمتر از فاصله شیراز تا بندرعباس) را طی نمایند.

اگر مصرف يك کامیون ده تنی را بیست لیتر گازوئیل در هر صد کیلومتر فرض کنیم برای حمل ده تن از کالاهای صادراتی حدود یکصد لیتر گازوئیل با هزینه ارزی ۱۷ دلار، مصرف خواهد گردید. به عبارت دیگر، حمل هر کیلوگرم از کالاهای صادراتی، ۱۷/۰ سنت (حدود ۰/۱۲ ریال با نرخ رسمی ارز) هزینه ارزی در بر خواهد داشت. اگر هزینه‌های ارزی مربوط به مصرف لاستیک، روغن، قطعات یدکی و استهلاک خود وسایط حمل و نقل را نیز لحاظ کنیم، به یقین هزینه ارزی حمل هر کیلو کالای صادراتی چندین برابر رقم فوق خواهد گردید (مثلاً، رقمی حدود ۱ سنت - ۰/۷ ریال - برای هر کیلوگرم).^۳

(۱) گمرک جمهوری اسلامی ایران، سالنامه آمار بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران (تهران): گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸) ص ۳۰.

(۲) در واقع این رقم نیز هزینه ارزی واقعی گازوئیل نیست چرا که برای حمل به داخل کشور و توزیع مجدد آن نیز مقادیر قابل توجهی هزینه ارزی صرف می‌شود. با این وجود، فرض گردیده که هر لیتر گازوئیل تنها ۱۷ سنت ارزی دارد.

(۳) بانک مرکزی ج.ا.ایران هزینه ارزی یک کامیون ۲۰ تنی حمل‌کننده کالاهای وارداتی از مبادی ترکیه را حسب دوری و نزدیکی مبداء از ۳۰۰ تا ۱۴۰۰ دلار (یعنی هر کیلو ۱/۵ تا ۷ سنت) اعلام نموده است. رک: آینه اقتصاد، شماره هفتم (بهمن ۱۳۶۹) ص ۳۶.

برای آنکه هزینه ارزی صدور کالاها را مشخص تر کرده باشیم، برآوردی از هزینه های ارزی ناشی از تراکم این کالاها در بنادر کشور ارائه می‌گردد. طبق آمار ارائه شده از سوی کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۶۶ جمع کل دموراژ پرداختی به کشتیها بالغ بر ۴۸ میلیون دلار بوده است که از این میزان حدود ۴۰ میلیون

جدول (۳): آمار صادرات گمرکات عمده کشور در سال ۱۳۶۸

شرح	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون ریال)	سهم وزنی (درصد)	سهم ارزشی (درصد)	ارزش واحد* (ریال/کیلوگرم)
مهرآباد	۱۰/۷	۱۹۳۸۸	۰/۷۴	۲۲/۲	۱۸۱۱/۹
کرمان	۶۳/۹	۱۸۷۴۹	۴/۴۲	۲۳/۸۸	۲۹۳/۴
جنوب تهران	۲۹/۴	۱۷۲۱۸	۲/۷۳	۲۱/۹۳	۵۸۵/۶
بندر عباس	۶۰۲	۸۶۵۱	۴۱/۶۶	۱۱/۰۲	۱۴/۳
چلغا	۷۳/۵	۳۳۱۳	۵/۰۹	۴/۲۲	۴۵/۰۷
بندرامام خمینی	۴۵۰/۹	۳۱۲۴	۳۱/۲	۳/۹۷	۶/۹۲
بندرسوشهر	۵۳/۱	۱۵۷۴	۳/۶۷	۲	۲۹/۶
شیراز	۲۱/۲	۹۲۴	۱/۴۶	۱/۱۷	۴۳/۵۸
.
.
.
سایر گمرکات	۶۸/۸	۳۷۳۸	۴/۷۶	۴/۷۶	۵۴/۳
جمع	۱۴۴۵	۷۸۵۰۴	۱۰۰	۱۰۰	۵۴/۳

* - محاسبه از نویسنده است.

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران، جداول مقدماتی آمار صادرات - واردات (تهران: گمرک جمهوری اسلامی ایران، اسفند ۱۳۶۸)، ص ۶.

دلار ناشی از تراکم کالا در بنادر تخلیه و تأخیر در تخلیه کشتی اعلام گردیده است.^۱ در همین سال، صادرات غیرنفتی کشور حدود یک میلیون تن و واردات کشور ۱۲/۵ میلیون تن بوده است. بنابراین، اگر فرض کنیم که امکانات تخلیه و بارگیری کشور قادر است سالانه ۹/۵ میلیون تن کالا را بدون پرداخت دموژ، بارگیری و تخلیه نماید، در شرایط ثابت به هر یک میلیون تن کالای وارداتی یا صادراتی اضافه بر این میزان بطور متوسط ده میلیون دلار دموژ تعلق می‌گیرد.^۲ بر همین مبنا صدور ۱۳۳۳ هزار تن کالاهای مذکور در جدول (۱) رقمی حدود ۱۳/۳ میلیون دلار هزینه ارزی به صورت دموژ خواهد داشت. بعبارت دیگر هر کیلوگرم کالای صادراتی ۱ سنت (۰/۷ ریال) نیز، از طریق تأخیر، اشتغال بنادر و پرداخت دموژ، هزینه ارزی خواهد داشت. بنابراین، حتی اگر سایر هزینه‌های ارزی کالاهای صادراتی (از قبیل مواد اولیه،

استهلاک پل‌ها و جاده‌ها، هزینه بسته‌بندی، بازاریابی و حتی نهاده‌های لازم برای تولید آنها) نیز در نظر گرفته نشوند، می‌توان گفت که صدور کالاهای با قیمت کمتر از ۲ سنت (۱/۴ ریال) برای هر کیلوگرم، فاقد ارزآوری خالص می‌باشد.^۳ بدین ترتیب، در ششماهه اول سال ۱۳۶۹، قریب ۶۹۰ هزار تن (۵۲ درصد) از کل صادرات غیرنفتی ما - علی‌رغم تشدید مشکلات حمل و نقل کشور و کمبود مصالح ساختمانی - فاقد ارزآوری مثبت بوده‌اند.

بعضی از اقلام صادرات غیرنفتی از جنبه دیگری نیز برای کشور ایجاد هزینه ارزی خالص می‌نمایند و آن ناشی از صدور آنها به قیمت ارزان و خرید کالاهای مشابه از خارج از کشور به قیمت‌هایی به مراتب بالاتر می‌باشد. البته در اینجا ممکن است بحث اختلاف کیفی آنها در بین باشد، ولی با توجه به اقلام منتخب و مندرج در جدول (۴)، به نظر نمی‌رسد مسئله کیفیت نقش

(۱) کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، عملکرد کشتیرانی جمهوری اسلامی و شرکتهای تابعه در سال ۱۳۶۶ (تهران: مردادماه ۱۳۶۷) ص ۱۴.

(۲) در واقع، این نسبت ثابت نیست و ما با عنایت به عدم تکافوی تسهیلات بارگیری و تخلیه، با افزایش مبادلات خارجی بصورت تصاعدی افزایش می‌یابد.

(۳) رقم واقعی باید به مراتب بیش از ۲ سنت باشد. بعنوان مثال هیأت وزیران ارز برای نمک در بسته‌بندی نایلونی یک کیلوئی را، هر تن ۴۰ دلار (هر کیلوگرم ۴ سنت) تصویب نموده است رک: صنعت حمل و نقل (شماره ۸۷)، ص ۹۸. از آنجا که نمک به سهولت می‌تواند در مناطق جنوب کشور، بدون استفاده از مواد اولیه وارداتی تولید گردد، بخش اعظم این ارزبری رامیتوان ناشی از ارزبری بسته‌بندی دانست. خصوصاً که ارزبری نمک در بسته‌بندی جعبه‌ای، کیلوئی ۶ سنت اعلام گردیده است. این ارقام خود معیار قابل قبولی از هزینه ارزی بسته‌بندی هر کیلو کالا را بدست می‌دهند.

مهمی در این رابطه ایفا کرده باشد.

بحث دیگری که در ارتباط با صادرات غیرنفتی کشور مطرح است، پائین بودن قیمت واحد صادرات کشور است. در برنامه پنجساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور پیش بینی گردیده که ارزش صادرات غیرنفتی از حدود $1/74$ میلیارد دلار در سال شروع برنامه (۱۳۶۸) به رقم $6/31$ میلیارد دلار در سال پایان برنامه (۱۳۷۲) بالغ گردد. در صورتیکه ترکیب و قیمت صادرات کشور بصورت فعلی - ششماهه اول سال ۱۳۶۹ - باقی بماند برای رسیدن به رقم

بعنوان مثال، کیفیت آب معدنی و گازدار ایران چه تفاوت فاحشی با آب معدنی وارداتی دارد که قیمت هر کیلو آب معدنی صادراتی ایران کمتر از ۵ ریال است در حالی که آب معدنی وارداتی به قیمت کیلوئی ۱۷۳ ریال خریداری شده است؟ آیا تفاوت نمک معدنی و دریائی ایران با نمک خارجی آنقدر هست که اولی به قیمت $1/5$ ریال صادر و دومی به قیمت هر کیلوگرم ۱۱۴۳ ریال وارد شود؟ آیا به راستی این اقلام از داخل کشور قابل تامین نبودند؟

جدول (۴): مقایسه قیمت صادراتی برخی از کالاهای صادراتی با قیمت واردات مشابه آنها در سال ۱۳۶۷.

صادرات			واردات			شرح (شماره تعرفه)
قیمت هر کیلوگرم (ریال)	ارزش (هزارریال)	وزن (تن)	قیمت هر کیلوگرم (ریال)	ارزش (هزارریال)	وزن (تن)	
۴/۷۷	۹۷۲	۲۵۳/۲	۱۷۳	۲۱/۸	۵/۱۲۶	آبهای معدنی و گازدار (۲۲/۵۱ ب)
۱/۵۲	۱۲۱۴۶	۲۹۶۳	۱۱۴۳	۱۴۰۶	۱/۲۳	نمک معدنی و دریائی (۲۵/۵۱ ب ۲)
۰/۷۲	۵۷۸/۶	۷۹۵	۴/۱۷	۸۷۸۳۵	۲۱۰۳۳	شن و ماسه طبیعی (۲۵/۵۵)
۱/۸۷	۱۸۹۹	۱۰۱۲	۲۷/۶	۲۱۲۷۴	۷۶۹/۶	خاک رس (۲۵/۵۷ هـ)
۵/۵۴	۱۱/۱	۲۵/۴	۷۵/۳	۲۵۸۴۸	۳۴۳	خاک سیلیسی (۲۵/۱۲ ب)
۷/۸	۱۷۲۲۶۴	۲۲۰۰۰	۱۱۱/۵	۱۱۱/۵	۱	بیریت آهن (۲۶/۵۱ الف)
۶/۶۹	۲۱۴۱۰۸۵	۳۲۰۰۰۹	۱۴۶/۱	۱۲۳۳۴	۸۴/۴	گل گورگرد (۲۸/۵۲)

• محاسبه از نویسنده است.

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران، سالنامه آمار بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران سال ۱۳۶۷ (تهران: گمرک جمهوری اسلامی ایران).

۶/۳۱ میلیارد دلار باید معادل ۱۵/۷۷ میلیون تن کالا از کشور صادر شود^۱. بدیهی است که رسیدن به چنین حجمی از صادرات تا دو سال دیگر نه تنها در توان کشور نیست بلکه احتمال آن نیز وجود ندارد.

البته ترکیب کالاهای صادراتی در برنامه به گونه دیگری است و صادرات کالاهای صنعتی^۲ و فرش حدود ۸۰ درصد از ارزش صادرات غیرنفتی را در پایان برنامه پنجساله به خود اختصاص خواهند داد

شدید قیمتها در بازارهای جهانی خواهد شد. سوم، نه تورم داخلی و نه رقبای خارجی این اجازه را به ما نمی‌دهند که بازار جهانی فرش را تقریباً بطور کامل قبضه کنیم.

در وهله بعد، نزدیک به پننج برابر شدن ارزش صادرات محصولات معدنی — از ۸۳ میلیون دلار در سال ۱۳۶۸ به ۳۹۱ میلیون دلار در سال ۱۳۷۲ — با عنایت به اینکه متوسط ارزش هر کیلو از این محصولات در سال ۱۳۶۸ در حدود ۱۰ سنت بوده،

در صورت ثابت ماندن ترکیب کالاهای صادراتی، برای رسیدن به ۶/۳ میلیارد دلار صادرات در سال ۱۳۷۲ باید ۱۵/۷ میلیون تن کالا از کشور صادر شود.

به معنای آن است که در صورتی که در کیفیت و قیمت اقلام معدنی تغییری حاصل نگردد، در سال ۱۳۷۲ باید نزدیک به ۳/۹ میلیون تن از این محصولات از کشور صادر شود^۳، که با توجه به محدودیت فعلی بنادر و امکانات حمل و نقل کشور، چنین امکانی وجود ندارد.

* انقلاب در صادرات؟

اخیراً بانک مرکزی جمهوری اسلامی

(جدول ۵). اما به دلایلی چند رسیدن به این حجم و ترکیب از صادرات نیز غیر محتمل است؛ نخست آنکه صادرات فرش در سال پایانی برنامه ۱۷/۴۱ میلیارد دلار پیش بینی شده که به چند دلیل احتمال رسیدن به آن بسیار ضعیف است: اول، رقم پیش بینی شده بسیار نزدیک به ارزش رسمی صادرات جهانی فرش دستباف است. دوم، بدلیل سهم عمده ایران در بازار جهانی فرش، چند برابر شدن عرضه فرش ایران باعث کاهش

(۱) متوسط قیمت هر کیلوگرم صادرات ۴۰ سنت (حدود ۲۷ ریال، مندرج در جدول ۲) فرض شده است.

(۲) برای اطلاع از نیاز کالاهای صنعتی به واردات رجوع کنید به: وزارت برنامه و بودجه، جدول ۵۱۵-.

ستانده اقتصاد ایران سال ۱۳۶۳، گزارش شماره ۳ (وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۸) صص ۱۱۷-۱۲۸.

ایران اعلام کرد که من بعد ارزهای حاصل از صادرات را به نرخ شناور (که بسیار نزدیک به نرخ بازار آزاد است) خریداری خواهد نمود و بر آن «انقلاب در صادرات» نام نهاد. ظاهراً این سیاست اهدافی چون حرکت کردن به سوی یک نرخ شدن ارزها و افزایش صادرات کشور و درآمدهای ارزی حاصل از آن را مد نظر دارد. که در اصول مورد قبول است. اما مسئله اینجاست که همراه با اعلام خرید ارز صادراتی به نرخ شناور، قیمت ارز (دلار) رقابتی از ۸۰۰ ریال به ۶۰۰ ریال کاهش داده شد که به لحاظ گشایشی که در کار واردکنندگان مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای ایجاد می‌کند، یقیناً مورد استقبال آنان واقع خواهد گردید.

ولی بحث مهم این است که مجموعه این اجزاء مطلوب، نتیجه نامطلوبی بدست خواهد داد.^۱

اجازه بدهید مطلب را بهتر بشکافیم، همانگونه که در صفحات پیشین

نشان داده شد ارزش واحد کالاهای صادراتی ایران — همراه با افزایش قیمت ارز صادراتی و کاهش محدودیتهای صادراتی — روندی روبه کاهش داشته است و از کیلوئی ۵۴ ریال به کیلوئی ۲۷ ریال تقلیل پیدا نموده است. علت امر نیز واضح است: در شرایط ثابت، افزایش صدور کالا تنها با کاهش قیمت‌های صادراتی این کالاها — از طریق بالابردن نرخ ارز صادراتی — میسر است. بنابراین، شناور نمودن نرخ ارز صادراتی به صادرکنندگان قدیمی و نیز صادرکنندگانی که با نرخ ارز جدید قدرت حضور در بازارهای بین‌المللی را می‌یابند این فرصت را می‌دهد که باز هم قیمت دلاری کالا خود را بیشتر کاهش دهند تا فروش و سود خود را افزایش دهند. (توجه داشته باشیم که قیمت ریالی ارز صادراتی برای اغلب صادرکنندگان^۲ حسب مورد از حدود ۷۰ درصد تا ۲۰۰ درصد افزایش یافته است یعنی مثلاً از ۸۰۰ ریال و ۴۲۰ ریال به حدود ۱۳۶۰ ریال افزایش یافته است). به این

(۳) در صورتیکه ترکیب صادرات معدنی در ششماهه اول سال ۶۹ مینا قرار گیرد متوسط قیمت هر کیلو از مواد مصرفی مذکور به حدود ۲/۵ ریال (۳/۵ سنت) کاهش می‌یابد و برای رسیدن به رقم ۳۹۱ میلیون دلار باید حدود ۱۱ میلیون تن از این اقلام صادر شود که نه تنها چنین امکاناتی در کشور وجود ندارد بلکه ارزآوری خالص چنین صادراتی نیز جای سوال دارد. ارقام ارزش واحد با استفاده ارقام مندرج در جداول ۱ و ۲ محاسبه گردیده است.

(۱) برای اطلاع از مطالب قبلی ابراز شده در مورد سیاستهای ارزی اخیر رجوع کنید به موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ماهنامه بررسیهای بازرگانی، شماره‌های ۷، ۸، ۹، (آذر و بهمن سال ۱۳۶۸).

(۲) کالاهای معاف از پیمان ارزی در گذشته مستثنا هستند و برای آنها در این رابطه گشایشی متصور نیست.

ترتیب، جای تعجب نخواهد بود اگر در سال ۱۳۷۰ شاهد کاهشی، مثلاً حدود ۳۰ درصد یا حتی بیشتر در ارزش واحد اغلب کالا‌های صادراتی، باشیم.^۱ به یقین میزان صادرات کشور نیز باید افزایش قابل ملاحظه‌ای را شاهد باشد و درآمد و اشتغال در این بخش نیز رونق خاصی پیدا کند.^۲

ظاهر امر نشان می‌دهد که همه چیز بر وفق مراد و طبق برنامه است. ولی واقعیت چیز دیگری است. از هم اکنون به جرأت می‌توان گفت که ارزآوری خالص این

بعلاوه، طرح جدید، امکان وسیعی در جهت صدور «کاذب» کالا ایجاد نموده است؛ بدین معنا که به «صادرکننده غیرواقعی» این فرصت را عرضه می‌دارد تا مثلاً قطعات نیم ساخته شده‌ای را از خارج به قیمت ۱۰ دلار با ارز (دلار) ۶۰۰ ریالی اکتیاع کند، آن را سوار کرده و حتی به قیمتی کمتر، مثلاً ۸ دلار، صادر نماید و سود کلانی نیز بدست آورد. علت نیز همان است که قبلاً گفته شد. خرید ده دلار قطعات نیم ساخته وارداتی ۶۰۰۰ ریال هزینه دارد

افزایش قیمت ارز صادراتی و لغو یا کاهش
دراخذ پیمان در گذشته باعث کاهش
قیمتهای ارزی صادرات کشور گردیده‌اند.

صادرات - یا بخشهای عمده‌ای از آن - منفی خواهد بود زیرا همانطور که قبلاً نشان داده شد، حتی پیش از به اجرا درآمدن سیاستهای جدید و قیمت‌های دلاری بالاتر نیز چنین بوده است و اگر قرار باشد قیمت‌های دلاری باز هم کاهش یابند مسئله وخیمتر خواهد گردید.

بنابراین برای صادرکننده صرف خواهد کرد تا ۱۰۰۰ ریال نیز صرف مونتاژ آن کند و آن را به قیمت ۸ دلار (ریال ۱۰۴۰۰ = ۸ × ۱۳۰۰) صادر کند و از این معامله ۳۴۰۰ ریال نیز سود عایدش شود. و اغلب هیچ تضمینی وجود ندارد که دوباره آن را در خارج از کشور بصورت قطعات منفصله در نیاورده و

(۱) در گذشته نیز تخفیف یا لغو پیمان ارزی (که در عمل به مثابه افزایش نرخ ارز می‌باشد) عمدتاً باعث گردیده تا ارزش واحد کالا‌های صادراتی تقلیل یابد. رک: ابوالقاسم نادری، «بررسی تحلیلی صادرات غیرنفتی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی»، ماهنامه بررسیهای بازرگانی، شماره ۱۲ (اردیبهشت ۱۳۷۰) صص ۳۱-۵.

(۲) فرض گردیده که جنگ نفت در خلیج فارس بر صادرات سال ۱۳۷۰ تأثیری باقی نمی‌گذارد.

دوباره نقش صادرکننده همان قطعات به کشور را برعهده نگیرد و با بازگرداندن ارز حاصله به کشور، سود مضاعفی کسب ننماید. غرض، آن نیست که گفته شود تمام صادرکنندگان چنین خواهند کرد، بلکه هدف آن است که نشان داده شود تا چه حد جای سوء استفاده وجود دارد. ظاهراً يك راه مقابله با این امر قیمت گذاری کلیه کالاهای صادراتی است که آن هم مسائل و مشکلات خاص خود را داراست. حتی اگر صادرکننده مجبور به صدور کالا به قیمت ۱۱ دلار نیز بشود هنوز برای او سودآور است که آن را به قیمت ۸ دلار در خارج فروشد و سه دلار دیگر را از بازار آزاد تهیه کند.

جان کلام اینجاست که با ترکیب فعلی صادرات کشور، ارزآوری خالص چنین طرحی به احتمال زیاد ناچیز و یا منفی خواهد بود. این ارزآوری منفی (یا ناچیز)، همراه با تقاضای بسیار شدیدی که این قبیل صادرات «کاذب» می‌توانند ایجاد کنند، بالقوه قادر خواهد بود که با عنایت به محدودیتهای ارزی کشور این طرح را با شکست روبرو سازد.

جنبه منفی دیگر این طرح، افزایش قیمت داخلی کالاهای قابل صدور است. علی‌الاصول، يك کالا تنها هنگامی صادر می‌شود که فروش آن در خارج از کشور—در

مقایسه با فروش آن در داخل— سود بیشتری کسب نماید. بعنوان مثال، اگر صادرکننده کالائی بتواند کالای مزبور را به قیمت کیلوئی يك دلار (مثلاً ۱۳۶۰ ریال) صادر کند به هیچ وجه حاضر نخواهد شد آن را به قیمت کمتر در داخل عرضه نماید. بنابراین، هرچه نرخ شناور ارز صادراتی بالاتر برود، قیمت‌های داخلی کالاهای صادراتی نیز افزایش خواهند یافت. اما محدوده این افزایش را کشش عرضه و تقاضا برای کالای صادراتی مورد نظر تعیین خواهد کرد.

اگر همانطور که برای يك «اقتصاد باز و کوچک»^۱ فرض می‌شود، این کشش بسیار بالا باشد، قیمت جهانی برای صادرکنندگان ثابت است و علتی برای کاهش آن وجود ندارد. بنابراین، بالا رفتن نرخ ارز تنها قیمت فروش ریالی صادرکننده را بالا خواهد برد. اینکه از این افزایش قیمت چه میزان آن به افزایش قیمت و یا درآمد تولیدکنندگان کالاهای صادراتی اختصاص می‌یابد نیز بستگی به میزان رقابت در بازار داخلی این کالاها دارد. اگر این بازار کاملاً رقابتی باشد، رقابت بین صادرکنندگان برای خرید این محصولات باعث افزایش قیمت خرید آنها از تولیدکنندگان داخلی گردیده و این افزایش قیمت، در عمل باعث افزایش

(1): Small Open Economy (SOE)

نقش این کشورها در بازار جهانی بسیار شبیه به نقش بنگاهها در یک بازار رقابت کامل است یعنی، این کشورها قیمت‌پذیر بوده و قادرند هر چه می‌خواهند به بازار عرضه کنند بدون آنکه قیمت را کاهش دهد.

قیمت عوامل بکار رفته در تولید محصولات مزبور - که حسب مورد می‌تواند نیروی کار یا سرمایه یا زمین باشد - خواهد گردید. طبیعی است که هرچه صادرکنندگان از قدرت انحصاری بیشتری برخوردار باشند منافع بیشتری نصیب آنها و منافع کمتری نصیب تولیدکنندگان و عوامل تولید خواهد گردید. پر واضح است که با ترکیب فعلی کالاهای صادراتی ما و با توجه به اقلامی نظیر فرش، پسته و خاویار که حدود ۵۷

بالا نخواهد بود. به عبارت دیگر، در صورت افزایش صدور این کالا، قیمت جهانی آنها کاهش خواهد یافت. به عبارت دیگر، بخشی از این کاهش قیمت ارزی کالاهای مذکور عاید مصرف‌کنندگان خارجی خواهد گردید و تنها بخش باقیمانده می‌تواند بین تولیدکننده و صادرکننده داخلی تقسیم گردد که چگونگی این تقسیم به میزان رقابتی بودن بازار داخلی بستگی دارد. در این حالت تأثیر توری افزایش نرخ ارز کمتر از حالت قبل

ظاهراً در حال حاضر سیاست‌های پولی کشور به دو نرخ تعادلی - یکی در مورد واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات صنعت و دیگری در مورد واردات کالاهای مصرفی و خدمات - گرایش دارد.

درصد از ارزش صادرات غیرنفتی ما را تشکیل می‌دهند^۱ و سهم ایران در بازار جهانی این محصولات به هیچ وجه ناچیز نمی‌باشد^۲، لاقلاً برای بخش عمده‌ای از کالاهای صادراتی ما کشش تقاضای جهانی چندان

(ثابت ماندن قیمت‌های جهانی) خواهد بود. نکته دیگری که در رابطه با سیاست‌های ارزی اخیر مطرح است و به کرات اعلام گردیده حرکت به سمت «نرخ تعادلی و یک نرخ کردن ارز» است. طبیعی است

(۱) گمرک جمهوری اسلامی ایران، جداول آمار مقدماتی صادرات - واردات (تهران، گمرک ج.ا.ا.، اسفند ۱۳۶۸)، ص ۷.

(۲) سهم ایران در صادرات جهانی پسته و فرش بترتیب حدود ۶۰ و ۲۰ درصد برآورد شده است. این ارقام بدلیل مشخص نبودن رقم صادرات جهانی، خالی از خطا نیستند. برای اطلاع بیشتر رک: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، بازار جهانی فرش (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، خرداد ۱۳۶۳) و مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، بازار جهانی خشکبار با نگاهی به موقعیت ایران، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، اسفند ۱۳۶۵).



که انتظار داشته باشیم در اجرای این سیاست فاصله بین نرخهای رقابتی و «شناور» ارز کاهش یابد، حال آنکه سیاست اعلام شده در بهمن ماه ۱۳۶۹ با کاهش نرخ رقابتی از ۸۰۰ ریال به ۶۰۰ ریال خود عملاً این اختلاف را تشدید کرده است و حرکتی خلاف جهت سیاست اعلام شده را به ثبت رسانده است. این حرکت به هر علت وانگیزه‌ای که صورت پذیرفته باشد این سؤال را برمی‌انگیزد که آیا نمی‌توانستیم بدون آنکه به هدف یک نرخی کردن ارز صدمه وارد کرده باشیم به منظور خود برسیم؟ آیا با حفظ نرخ ارز ترجیحی رقابتی در سطح ۸۰۰ ریال بازاء هر دلار و کاهش تعرفه، سود و عوارض گمرکی همین مقصود حاصل نمی‌آید؛ مضافاً اینکه با این کاریکی از بهانه‌های شرکای تجاری خود مبنی بر داشتن تعرفه‌های گمرک بسیار بالا را از بین برده و به سمت آزاد سازی تجاری حرکت می‌کردیم.

سیاستهای ارزی کشور تا چه زمانی باید بر مبنای آزمون و خطا انجام گیرد و آیا زیان ناشی از این امر لحاظ شده است؟
به نظر می‌رسد از سیاست‌های ارزی اتخاذ شده انتظار دارند نرخ تعادلی ارز همان نرخ باشد که صنایع کشور را نیز با ظرفیت کامل راه‌اندازی کند. در حالی که واقعیت آن است که جمع درآمدهای ارزی کشور در

حال حاضر این امکان را فراهم نمی‌سازد و برای کاهش تقاضای ارز باید قیمت آن افزایش داده شود.^۲ بعلاوه، دادن ارز ۶۰۰ ریالی جهت خرید مواد اولیه و تولید کالا و سپس خرید ارز حاصل از صدور کالاهای تولید شده به قیمت مثلاً ۱۴۰۰ ریال این امکان را فراهم می‌سازد که صنایع غیر کارآ نیز چه در زمینه صادرات و چه در تولید داخلی، خون جدیدی در رگهای خویش احساس کنند و چند صباحی دیگر به تولید غیر اقتصادی خود ادامه دهند در حالی که سیاست یک نرخی کردن ارز خود بخشی از سیاستهای تعدیل اقتصادی است که می‌باید در آن هزینه فرصت منابع به دقت رعایت شده و از ادامه کار صنایع فاقد کارآئی لازم جلوگیری شود.

در این راستا و به منظور تخصیص صحیح منابع، دولت باید سیاست‌های مناسب اتخاذ نماید. در خلال چند دهه اخیر، بخصوص قبل از انقلاب، حمایت شدیدی از تولیدات داخلی به چشم می‌خورد و به صادرات توجه لازم مبذول نمی‌گردید. لکن، شکست نسبی سیاست عدم اجرای صحیح سیاست جایگزینی واردات در کشور نباید ما را به این اشتباه دچار کند که تمام حمایت‌های خود را متوجه صدور کالا سازیم. در دهه‌های قبل، قیمت ارز مصنوعاً پائین

(1): Trial and error

(۲) در صورتیکه هزینه ارزی واردات را با درآمدهای ارزی حاصل از صادرات غیر نفتی به سنجیم، نرخ ارز تعادلی چند برابر رقم ۱۴۰۰ ریال خواهد بود.

نگاه داشته می‌شد و در نتیجه صادرات تضعیف و واردات تشویق می‌گشت. ظاهراً اکنون هدف آنست که برای واردات نرخ پائین و برای صادرات نرخ ارزی بالا داشته باشیم تا هر دو افزایش یابند. اما این سیاست از هم اکنون زمینه‌های شکست اهداف اعلام شده خویش را فراهم می‌سازد زیرا:

(۱) - افزایش دادن اختلاف بین نرخ ارزی رقابتی و نرخ ارز شناور با هدف یک‌نرخ کردن ارز و رسیدن به قیمت تعادلی آن در تعارض است و اصولاً این حرکت حاکی از آن است که در حال حاضر به «دو نرخ

تبادلی ارز مستلزم افزایش، و نه کاهش، آن است. ظاهراً افزایش مقطعی و موقت قیمت نفت به بیش از بشفکه ای ۳۰ دلار در خلال بحران اشغال کویت چنین القاء نموده که درآمدهای ارزی کشور افزایش بسیار زیادی خواهد یافت که عملاً خلاف آن ثابت گردید.^۱

(۳) - این طرح باعث افزایش شدید تقاضای ارز رقابتی خواهد گردید که با عنایت به محدودیت عرضه، با احتمال زیاد کلیه صنایع و صنوف تولیدی نخواهند توانست ارز مورد نیاز خود را دریافت نمایند.

نرخ تعادلی ارز همان نرخ نیست که تمامی صنایع کشور را با ظرفیت کامل به تولید وادار سازد.

تعادلی» - یکی برای تولید و دیگری برای واردات غیر ضروری و خدمات - اندیشیده می‌شود.

(۲) - عدم توانایی در اعطای ارز رقابتی با نرخ ۸۰۰ ریال به کلیه واحدهای صنفی و صنعتی به میزان مورد نیاز آنها در سال گذشته حاکی از محدودیت عرضه ارز در کشور بوده و در این راستا رسیدن به نرخ

(۴) - سیاست ارزی تنها هنگامی به تراز تجاری کشور کمک خواهد کرد که نرخ واقعی ارز افزایش یابد. لکن، تورم بالای فعلی، افزایش شدید هزینه‌های دولتی در سال ۱۳۷۰، افزایش دستمزدها و کاهش نرخ ارز رقابتی (برای واردات) همگی در خلاف این جهت سیر می‌کنند.^۲

(۵) - نرخ ارز تنها یکی از

(۱) حتی در خلال جنگ نیز قیمت نفت به حدود بشفکه ای ۱۶ دلار رسید.

(۲) سیاستهای جدید در زمینه آزاد ساختن واردات برخی از کالاهای مصرفی نیز بر تراز تجارت خارجی تأثیری منفی خواهند داشت و با افزایش تقاضا برای ارز آزاد می‌تواند فاصله بین نرخ ارز آزاد و ترجیحی - رقابتی را بیشتر کند.

ابزارهای سیاستگذاری اقتصادی است و طبق اصول پذیرفته شده در علم اقتصاد از یک وسیله تنها باید در جهت رسیدن به یک هدف و آن هم هدفی که بیشترین تأثیر را از آن می‌پذیرد استفاده کرد. بنابراین، اگر هدف اصلی از تعیین نرخ ارز رسیدن به نرخ ارز تعادلی (یعنی نرخى که در آن عرضه و تقاضای ارزی با هم برابر هستند) می‌باشد، نباید اهدافی از قبیل کاهش نرخ تورم، افزایش تولید و اشتغال، جذب نقدینگی اضافی و در نهایت رسیدن به قیمت تعادلی ارز را به طور همزمان مطرح نموده و از سیاست‌های ارزی اعلام شده چنین انتظاراتی را داشت. اگر هدف اصلی سیاست ارزی را رسیدن به تعادل در تراز پرداختهای خارجی بدانیم، این سیاست باید به توسعه صادرات و کاهش واردات منجر گردد که طرح اخیر بانک مرکزی - لاقبل در زمینه کاهش واردات - چنین خصوصیتی ندارد و در ارتباط با توسعه صادرات نیز بدلیل پیش گفته شده احتمال افزایش شدیدی محتمل نیست. از این رو، جای تعجب نخواهد بود اگر در کوتاه مدت شاهد افزایش مجدد نرخ ارز رقابتی ترجیحی باشیم.

اصولاً افزایش نرخ ارز از دو جهت بر تراز تجاری اثر می‌گذارد و باعث کاهش یا از بین بردن عدم تعادل در آن می‌شود: اول، از

طریق «تغییر مخارج»^۱ از کالاهای خارجی به سمت کالاهای داخلی که به واسطه افزایش قیمت نسبی کالاهای وارداتی صورت می‌پذیرد و دوم از طریق «کاهش مخارج»^۲ در داخل که بطور مستقیم تقاضای کلی را تضعیف نموده و باعث می‌گردد هم تقاضا برای واردات کاهش یابد و هم کالاهای بیشتری امکان صدور یابند. از آنجا که عرضه صادرات و تقاضا برای واردات لاقبل در کوتاه مدت از کشش بالائی برخوردار نیستند، معمولاً تغییر قیمت‌های نسبی کالاهای وارداتی به تنهایی نمی‌تواند عدم تعادل را از میان بردارد. از این رو معمولاً یک رکود خفیف برای کاهش هزینه‌های داخلی ضرورت می‌یابد و بار اصلی رسیدن به تعادل را همین رکود بر دوش می‌کشد؛ چرا که علاوه بر کاهش مخارج، باعث جلوگیری از افزایش سریع قیمت‌ها گشته و مانع می‌گردد تا نرخ واقعی ارز دوباره کاهش یابد.

با عنایت به بحث تئوریک فوق به خوبی ملاحظه می‌شود که نه رونقی که از آن صحبت می‌شود و نه کاهش نرخ از رقابتی در این راستا طراحی نشده و لذا بعید است که این سیاست بتواند عدم تعادل تجارت خارجی کشور را تعدیل و یا از میان ببرد.

(1): Expenditure Switching

(2): Expenditure Reducing

نرخ ارز تنها یکی از ابزارهای سیاستگذاری اقتصادی است و تنها باید یک هدف - رسیدن به تعادل در بازرگانی خارجی - را تعقیب کند.

نتیجه گیری

نمود، که این امر چیرزی جز اتلاف منابع ارزی و سرمایه های طبیعی کشور نخواهد بود. به علاوه محدودیتهای فعلی حمل و نقل کشور، صدور کالاها در چنین ابعاد وسیعی را تا دو سال آینده غیر ممکن نشان می دهد.

سیاستهای ارزی اخیر نیز شانسی چندانی برای رفع عدم تعادل در تجارت خارجی کشور ندارند؛ چرا که از یکسوباعث افزایش فاصله نرخ ارز رقابتی و نرخ شناور گشته اند و از سوی دیگر اهدافی چون رونق اقتصادی را نیز دنبال می کنند و این در حالی است که توفیق این سیاست - علاوه بر کاهش قیمت ارزی صادرات - در گرو افزایش قیمت کالاها و وارداتی و کاهش قدرت خرید در داخل کشور می باشد. کلام آخر اینکه نرخ ارز تنها یک ابزار سیاستگذاری اقتصادی است و بدین جهت نمی تواند و نباید بطور همزمان اهدافی نظیر: رفع کسری بودجه، ایجاد رونق اقتصادی، از بین بردن عدم تعادل در تجارت خارجی کشور را دنبال نماید.

حجم عمده ای از صادرات کشور در سال ۱۳۶۸ و نیمه اول سال ۱۳۶۹ بطور خالص ارزآوری مثبتی نداشته که علت اصلی آن اختلاف بین نرخهای ارز است. تجربه گذشته نشان می دهد که لغو یا تخفیف در اخذ پیمان ارزی اکثراً به کاهش قیمتهای ارزی صادرات کشور منتهی گردیده است. از این رو انتظار می رود که سیاستهای ارزی اخیر نیز به کاهش بیشتر قیمتهای صادراتی (ارزی) از یکسو و افزایش قیمتهای داخلی این کالاها منجر گردد و مشکل ارزآوری «خالص» این قبیل صادرات را تشدید نماید.

برای رسیدن به اهداف صادراتی در برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ضروری است که ترکیب کالاها و صادراتی کشور بشدت متحول گردد؛ چرا که با ترکیب فعلی، برای رسیدن به صادرات پیش بینی شده در سال ۱۳۷۲ باید میلیونها تن از این کالاها را - که عمدتاً فاقد ارزآوری خالص هستند - صادر

جدول (۵): اهم اقلام صادرات غيرنفتی كشور طی دوران برنامه (میلیون دلار)

عنوان	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	جمع دوره ۱۳۷۲-۱۳۶۸
- صادرات کالاهای غیرنفتی	۱۷۳۹/۵	۲۳۸۳/۵	۳۱۴۹/۶	۴۲۴۷/۹	۶۳۱۵/۵	۱۷۸۳۶
(صادرات کالاهای کشاورزی)	(۴۸۴/۵)	(۵۵۱/۵)	(۶۰۳/۶)	(۶۵۹/۹)	(۷۲۴/۵)	(۳۰۲۴)
(صادرات کالاهای صنعتی)	(۷۴۹)	(۱۰۲۸)	(۱۴۴۰)	(۲۰۲۳)	(۳۷۲۰)	(۹۰۰۰)
(صادرات فرش)	(۴۲۰)	(۵۸۸)	(۸۲۳)	(۱۱۵۲)	(۱۴۱۷)	(۴۴۰۰)
(صادرات محصولات معدنی)	(۸۳)	(۲۰۶)	(۲۶۰)	(۳۶۰)	(۳۹۱)	(۱۳۰۰)
(صادرات مواد دارویی)	(۳)	(۱۰)	(۲۳)	(۳۳)	(۴۳)	(۱۱۲)

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲) (تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹) ۸ - ۲۶.

منابع و مأخذ

الف - فارسی

- ۱- اشرف زاده، حمیدرضا و طارم سری، مسعود. آشنائی با تعاریف و اصطلاحات بازرگانی - اقتصادی جلد چهارم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۹.
- ۲- سازمان برنامه و بودجه، پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲). تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹.
- ۳- کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، عملکرد کشتیرانی جمهوری اسلامی و شرکتهای تابعه در سال ۱۳۶۶، تهران: مردادماه ۱۳۶۷.
- ۴- گمرک جمهوری اسلامی ایران، سالنامه آمار بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران سال ۱۳۶۷. تهران: گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸.
- ۵- گمرک جمهوری اسلامی ایران، جداول آمار مقدماتی صادرات - واردات تهران: گمرک جمهوری اسلامی ایران، اسفند ۱۳۶۸.

- ۶- گمرک جمهوری اسلامی ایران، جداول آمار مقدماتی صادرات - واردات تهران: گمرک جمهوری اسلامی ایران، شش ماهه اول سال ۱۳۶۹.
- ۷- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ماهنامه بررسیهای بازرگانی، شماره های ۷، ۸، ۹ (آذر، دی، بهمن ۱۳۶۸).

ب- لاتین

1. Jha, L.K. «Do Outward - Oriented Policies Really Favor Growth», *Finance and Development*. December 1987, pp. 44-46.

